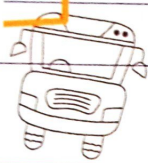


«دریا»

آموختنی‌ها



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

کبود: آبی تیره
می‌خیزد: بلند می‌شود، برمی‌خیزد
رام: آرام - ا ولی
زلال: صاف و شفاف

افق: اطراف آسمان
کبود: آبی تیره
دل‌گشا: خوش منظره و باهوا
غوطه‌زدن: مزه‌رهنج در آب
پهناور: وسیع

کلمات مخالف

گرم ≠ سرد
روشن ≠ تاریک (خاموش)
نرم ≠ سفت
کبود ≠ روشن (آبی روشن)
زلال ≠ کدر
رام ≠ وحشی

پیدا ≠ پنهان
می‌رود ≠ می‌ماند
پشت ≠ رو
پاک ≠ کورده - کسوف
خواب‌آلود ≠ بیدار
دل‌گشا ≠ دل‌گیر

کلمات هم‌خانواده

موج، موج، موجی
لذت، لذیذ، لذت‌بخش

پاک، پاکیزه، پاکیزگی
صورت، تصویر، مصور

پهناور، پهنا، پهن
خند، لبخند، پوزخند

دریا

درس پانزدهم



دریا آنقدر بزرگ است که از این طرف تا آن طرف آسمان را گرفته است. آبِ دریا مانند آینه ای بزرگ است که عکس آسمان در آن پیدا است.

هر کجا چشم می رود، آب است از افق تا افق، همه دریاست آب، آینه ای است پهناور صورت آسمان، در آن پیدا است

گرما و روشنی خورشید به آب خنده ی گرم و روشن خورشید
سرد دریا می تابد و آن را گرم بر تن سرد آب می ریزد
می کند. موج های دریا، پشت موج از پشت موج می آید
سر هم بالا و پایین می شوند. موج در پیش موج می خیزد



دریا خود را مانند دامنی نرم می‌کشد آب، دامنش را نرم
روی ماسه‌های ساحل می‌کشد. بر تن پاک ماسه‌های کبود
هنگامی که آب دریا به ساحل می‌خورد، ساحل از نوازش آب
می‌برد لذت از نوازش آب لذت می‌برد و بی‌خیال و آرام
ساحل بی‌خیال خواب آلود به خواب می‌رود.

مانند ماهی در آب زلال دریا شنا می‌کنم. آسمان خوش منظره و
دریا آرام است زندگی با من مهربان است و من خوش حال
هستم.

می‌شوم شاد و می‌زنم غوطه
مثل ماهی، میان آب زلال
آسمان دل‌گشا و دریا رام
زندگی مهربان و من خوش حال

محمود کیانوش